

منابع حقوق عمومی در اسلام

مقدمه

بررسی «مبانی» و «منابع» حقوق، جایگاه ممتازی در مباحث حقوقی دارد. در حقوق اسلامی در مقایسه میان این دو، برخی نویسندگان «مبانی حقوق» را معادل با «ملاکات احکام» و «منابع حقوق»^۱ را مساوی با «مدارک احکام» دانسته اند. ملاکهای احکام، مصالح و مفاسدی هستند که بر اساس آنها احکام جعل می شوند؛ از این رو مبانی حقوق در اسلام، هرگونه مصلحت یا مفسده ای است که در جعل قانون ملاحظه می شود مانند ایجاد نظم یا عدالت^۲.

«در حقوق اسلام هرچند منبع اصلی حقوق و تکالیف خداوند است، اما از نظر قابلیت استناد برای اثبات و حق و تکلیف، چهار منبع حقوقی نزد امامیه مطرح است که عبارتند از: کتاب، سنت، عقل و اجماع. چون این چهار منبع، وسیله اثبات حق و تکلیف است، آنها را «ادله» می نامند^۳. در حقوق عرفی، منابع حقوق عبارتند از اعلامیه های حقوق^۴، قانون، رویه قضایی، عرف و دکتین. وجه مشترک آنها محدود کردن منابع به فهم انسانی و عرف اجتماعی است. برخی از حقوقدانان که افزون بر این ها، اخلاق، مذهب، و اقتصاد را نیز جزو منابع حقوق عمومی دانسته اند^۵، حد اکثر «دین» را هم عرض و هم ردیف حقوق، اقتصاد، اخلاق، سیاست، فلسفه، قانون و عرف انگاشته و منبعی در کنار سایر منابع قلمداد کرده اند^۶.

تمایز اساسی منابع حقوق عمومی رایج با منابع حقوق عمومی در اسلام در جایگاه ممتاز آموزه های دینی در منظومه حقوقی است، بدین ترتیب، منابع حقوق عمومی را نمی توان صرفاً از طریق قرارداد یا قوانین موضوعه و یا رویه قضایی به دست آورد؛ وحی و عقل، سرچشمه های اصلی، استنباط احکام فقهی و حقوق اسلامی

۱. معادل عربی منابع حقوق، «مصادر القانون» و معادل انگلیسی آن، Sources of law می باشد.

۲. صرامی، منابع قانونگذاری در حکومت اسلامی، ص ۲۶.

۳. جعفری لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق، ص ۴۲.

۴. در نظر بسیاری از حقوقدانان، اعلامیه های حقوق، الزام آور نیستند ولی از آن جا که به تصویب رسیده اند، به عنوان اسنادی بسیار مهم در حقوق بین الملل عمومی و در حقوق عمومی داخلی، همواره تاثیرگذار بوده اند.

۵. کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، ص ۳۴۰.

۶. هاشمی، حقوق بشر و آزادی های اساسی، ص ۸۳.

هستند و دو منبع دیگر که سنت و اجماع اند، به نوعی زیر مجموعه وحی قرار می گیرند. آراء فقهی، احکام حکومتی و معاهدات بین المللی نیز در فهرست منابع حقوق عمومی در اسلام جای می گیرند.

۱. قرآن

قرآن را می توان به عنوان قانون اساسی اسلام در نظر گرفت؛ این کتاب، منبع جاودانه ای است که تمامی مذاهب و فرق اسلامی باوجود اختلافاتی که دارند، در مورد اصالت و حجیت آن، هم داستانند. به نظر برخی صاحب نظران در قرآن بیش از ۳۵۰ آیه حاوی کلیات، قواعد و اصول حقوق عمومی وجود دارد.^۷ آیات مربوط به حاکمیت و حکومت، امامت و ولایت، آیات قضاوت و دادرسی، قانونگذاری، شیوه حکمرانی، آیات مشورت در حوزه های عمومی، آیات امر به معروف و نهی از منکر، آیات مربوط به آزادیها و ممنوعیت نژادپرستی، تجسس، ارعاب و تهدید، سوء ظن^۸ و... در این ارتباط دسته بندی زیر از آیات قابل توجه و تامل است:^۹

۱-۱. حقوق اساسی (حقوق و تکالیف دولتمردان):

- **مشروعیت الهی در حکمرانی:** یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. (سوره نساء آیه ۵۹)

- **مشروعیت الهی در حکمرانی:** إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ: سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند همانها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند. (سوره مائده آیه ۵۵).

۷. عمید زنجانی، فقه سیاسی، جلد هفتم، ص ۵۰ و نیز عمید زنجانی و محمدی، منابع و مبانی حقوق عمومی در اسلام، فصل نامه اندیشه های حقوقی، سال چهارم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۹.

۸. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: محمد جواد جاوید، مبانی حقوق عمومی در اسلام: حقوق اساسی و حقوق سیاسی در قرآن کریم.

۹. نیم نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی، این حقیقت را کاملاً روشن می سازد که این متن عالی حقوقی در موارد زیادی از قانون اساسی اسلام (قرآن) الهام گرفته است. مقدمه قانون اساسی با این آیه از قرآن آغاز می شود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره حدید آیه ۲۵) و در همین مقدمه به این آیه در کنار چند آیه دیگر استناد می شود که «ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاعبدون».

- حکمرانی بر پایه فرامین الهی: إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: فرمان نافذ و حکومت [بر جهان هستی] جز از آن خدا نیست. دستور داده که غیر او را نپرستید. این است دین پابرجا و استوار، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (سوره یوسف آیه ۴۰).
- حکمرانی بر پایه فرامین الهی: إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ: ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن ، هدایت و نور بود...و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند. (سوره مائده آیه ۴۴).
- حکمرانی بر پایه فرامین الهی: وَلَيَحْكُمَنَّ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ: اهل انجیل باید به آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند! و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند. (سوره مائده آیه ۴۷).
- حکمرانی بر پایه فرامین الهی: وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ: و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتابهای پیشین را تصدیق می کند و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! (سوره مائده آیه ۴۸).
- حکمرانی در خدمت ارزشهای اسلامی: الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ: کسانی که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می پردازند و مردم را به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای زشت بازمی دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست. (سوره حج آیه ۴۱).
- حکمرانی بر پایه مهرورزی و مشورت پذیری: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ: به [برکت] رحمت الهی در برابر مردم نرم [و مهربان] شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم [قاطع باش] و بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (سوره آل عمران آیه ۱۵۹).

• **نقش شورا در تصمیم گیریهای اجتماعی**^{۱۰}: وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآمَرُوهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُمْ رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ: و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند (سوره شورا آیه ۳۸).

• **عدالت در حکمرانی**: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: خدا به دادگری [فردی و اجتماعی] و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید (سوره نحل آیه ۹۰).

• **عدالت شرط رهبری**: وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ: و (به خاطر آورد) هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری بیازمود پس او همه را به نحو کامل انجام داد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!) خداوند فرمود: [امامت، عهد من است] و عهد من به [کسانی از فرزندان تو که] ستمکارند نمی رسد (سوره بقره آیه ۱۲۴).

• **عدالت بر پایه فرامین الهی**: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم ، و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق] از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (سوره حدید آیه ۲۵).

^{۱۰}. تفاوت آیه «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» با آیه «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» در دو رکن مشورت گیرنده و موضوع مورد مشورت است. در آیه نخست، وظیفه و مسئولیتی متوجه شخص پیامبر است و او مأمور است که در مورد آن با مسلمانان مشورت کند در حالی که در آیه دوم، وظیفه متوجه شخص خاصی نیست بلکه یکی از صفات و ویژگیهای مومنان این گونه معرفی شده است که در امور مربوط به زندگی جمعی، به منظور تصمیم گیری درست تر با هم مشورت می کنند. (فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ. وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ. وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآمَرُوهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. آیات ۳۶ تا ۳۸ سوره شورا). بر این اساس، در امر به پیامبر به مشورت با اصحاب خود، ضمن آن که مشورت گیرنده با مشورت دهنده متفاوت است، موضوع مشورت امری مربوط به وظایف پیامبر است در حالی که در «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (کارشان را با مشورت یکدیگر انجام می دهند) چون موضوع مشورت مربوط به خود مردم است، مشورت دهندگان و مشورت گیرندگان یکی هستند. و البته روشن است که در هر دو آیه، موضوعات و موارد مشورت، ناظر به احکام شرعی که از جانب خداوند صادر شده، نمی باشد زیرا مشورت در ارتباط با احکام شرع جایز نیست.

- **عدالت در روابط اجتماعی:** یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ: ای کسانی که ایمان آورده اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد. (سوره نساء آیه ۱۳۵).
- **شیوه منفی حکمرانی:** فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ: [فرعون] قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند آنان قومی فاسق بودند! (سوره زخرف آیه ۵۴).
- **شیوه منفی حکمرانی:** إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يذِبحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ: فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای کنیزی و خدمت] زنده نگه می داشت. او به یقین از مفسدان بود (سوره قصص آیه ۴).
- **تسهیل گری در انجام تکالیف:** وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ: در دین [اسلام] برای شما هیچ مشقّت و سختی طاقت فرسایی قرار نداده است. (سوره حج آیه ۷۸).
- **معیارهای گزینش و امتیازدهی:** لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً...: افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد بازنشتند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر قاعدان [ترک کنندگان جهاد] برتری مهمّی بخشیده است... (سوره نساء آیه ۹۵).
- **مسئولیت همگانی:** لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ: در آنچه [خدا] انجام می دهد چون و چرا راه ندارد و [لی] انسانها مورد سؤال و مؤاخذه قرار می گیرند (سوره انبیاء آیه ۲۳).